

به زائیدگان

پس از ما

ترجمه از آلمانی

برتولت برشت

ترجمة شرف‌الدین خراسانی - شرف

۱

راستی که من در دورانهائی تاریک می‌زیم!
سخن بی‌نیت بد، دیوانگی ست. یک پیشانی هموار
نشانه‌ای از بی‌احساسی ست. آن که می‌خندد
خبیر هراس‌انگیز را

فقط هنوز دریافت نداشته است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

این چه دورانهائی ست، که در آنها
یک گفتگو در باره درختان گوئی یک جنایت است
زیرا یک سکوت را در باره آن همه تبهکارها در خود می‌گنجاند!
آن که آن جا به آرامی در خیابان راه می‌رود
دیگر به راستی دست‌یافتنی نیست برای دوستانش
که در عسرت‌اند؟

راست است: من هنوز معاشم را به دست می‌آورم.

اما از من باور کنید: این تنها یک تصادف است. هیچ چیز

از آنچه که من می‌کنم، مرا سزاوار آن نمی‌سازد، که سیر بخورم.

مرا به تصادف دریغ داشته‌اند. (اگر بخت من باز ایستد من از دست رفته‌ام).

به من می‌گویند: بخور و بیاشام! شاد باش، که داری!
اما من چگونه می‌توانم بخورم و بیاشامم، هنگامی
که از چنگ گرسنگان به در می‌آورم، آنچه را که می‌خورم، و
از لیوان آب من، آن کسی که از تشنگی می‌میرد، محروم است؟
با وجود این می‌خورم و می‌آشامم.

من نیز دلم می‌خواست که فرزانه می‌بودم
در کتابهای کهنه نوشته شده است، که فرزانه چیست:
خود را از کشاکش جهان دور نگهداشتن و زمانی کوتاه را
بی‌ترس به سر آوردن
اما بی‌قهر و زور به مقصود رسیدن
بدی را با نیکی جبران کردن
آرزوهایش را انجام ندادن، بلکه فراموش کردن
شیوه فرزانه است.
این همه را من نمی‌توانم بکنم:
راستی، که من در دورانهائی تاریک می‌زیم!

۲۰۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲

به شهرها من در زمان بی‌نظمی آمدم
هنگامی که در آن جا گرسنگی فرمانروا بود.
در زمان آشوب در میان انسانها آمدم
و من نیز با ایشان عصیان کردم.
این سان به سر آمد زمانی
که روی زمین به من داده شده بود.

خوراکم را در میان نبردها خوردم
در میان آدمکشان سر به بستر خواب نهادم



● برتولت برشت

با بی تفاوتی عشق ورزیدم
و طبیعت را بی شکیبائی نگریستم.
این سان به سر آمد زمانی
که روی زمین به من داده شده بود.



خیابانها در زمان من به مُرداب می رسیدند.
زبان مرا نزد دژخیم رسوا کرد.
تنها اندکی از من ساخته بود. اما فرمانروایان
بی من ایمن تر می نشستند، این امید من بود.
این سان به سر آمد زمانی
که روی زمین به من داده شده بود.

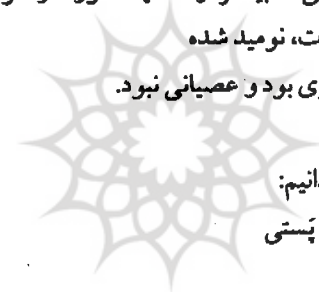
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نیروها اندک و ناچیز بودند. هدف
در دوری دور جای داشت،
آشکارا دیدنی بود، هرچند برای من
دشوار دست یافتنی بود.

این سان به سر آمد زمانی
که روی زمین به من داده شده بود.

۳

شما، شمائی که از میان سیلی توفانی سر بر خواهید آورد
که ما در آن فرو شده ایم
به یاد آورید
هنگامی که از ضعفهای ما سخن می گوئید
همچنین دورانی تاریک را
که شما از آن دور شده اید.
زیرا ما می رفتیم، در حالی که بیشتر از کفشها کشورها را عوض می کردیم
به درون جنگلهای طبقات، نوید شده
هنگامی که فقط بیدادگری بود و عصیانی نبود.



با وجود این خوب می دانیم:
همچنین نفرت در برابر پستی
چهره را پُرچین می کند.
همچنین خشم در برابر بیدادگری
آواز را خشن تر می سازد. آوِخ، ما
مائی که می خواستیم زمینه را برای مهربانی آماده کنیم
خودمان نتوانستیم مهربان باشیم.

اُها شما، هنگامی که زمانه بدانجائی خواهد رسید
که انسان برای انسان یک یاری کننده است
به یاد آورید دوزان ما را
با بخشایشگری.